

این شلاق‌ها به کجا فرود می‌آیند؟

محمدحسین دانایی

اقتصادی دولتی است که همراه با سیستم بانکی و شهرام جزایری‌ها به محاکمه و کیفر کشیده می‌شود، و این تجربه بار دیگر یادآور این واقعیت است که سرگرم شدن دولت و مقامات و نهادهای دولتی به تصدیگری امور اقتصادی، همانقدر مضر است که پرداختن فعالان اقتصادی به امر حکومت و مملکتداری، و باز هم یادآور این واقعیت است که تنها عامل و محور و عنصر تنظیم‌کننده رفتار اقتصادی انسان‌ها، همانا آزادی در رقابت کردن است و این شرایط به دست نمی‌آید مگر اینکه دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی به حداقل برسد.

آیا تجربه نشان نداده است که اقتصاد دولتی مجبور به ورشکستگی - و سرشکستگی - است؟ و از سوی دیگر، آیا ثابت نشده است که آزادی انسان‌ها برای حضور در مسابقه و صحنه رقابت اقتصادی، تنها عامل واقعی توسعه پایدار و رفاه اقتصادی است؟

۲) و اما راجع به نیروی انسانی یا عامل انسانی هم به سه نقل قول و یک استنتاج کوتاه اکتفا می‌کنیم:

- جواهر لعل نهرو، نخست وزیر سابق هند درباره ارزش عامل انسانی گفته است: کاملاً نمایان است که عامل انسانی، اساسی‌ترین و مهمترین عامل برای انجام هر کار می‌باشد. این عامل انسانی، چیزهای گوناگون را در بر می‌گیرد:

نظام بانکی یک کشور، نشانه وجود بیماری و فساد در نظام اقتصادی کل جامعه است و فساد مالی هم نتیجه طبیعی یک سیستم اقتصادی انحصاری و رانت مدارانه است، و این سیستم اقتصادی دولتی و تخصیص منابع دستوری و دیوانسالارانه است که امکان رانت خواری و فساد را فراهم می‌آورد، همچنانکه صدور مجوزهای خاص برای برخی فعالیت‌های خاص در بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و چند نرخ بودن ارز و متفاوت بودن نرخ سود پول برای فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی و تفاوت فاحش این نرخ در بازار با سیستم بانکی دولتی و... نیز از سرچشمه‌های رانت خواری و فساد اقتصادی بشمار می‌روند.

ابزار رانت خواری و فساد هم انحصاری بودن "اطلاعات" است، اطلاعاتی که به طور انحصاری در اختیار آقازاده‌ها و نورچشمی‌ها قرار می‌گیرد و به قول یکی از صاحب نظران، این بچه‌های عزیزدردانه و ترسوها و تنبل‌ها و بی‌مایگان هستند که به دنبال استمرار شرایط انحصاری اند تا بتوانند رانت خواری کنند. بدیهی است که در این بسترهای مستعد فساد، فرشته و قدیس پرورش نمی‌یابند و در عرصه‌ای که عقاب‌های مدعی بلندپروازی و آزادی پر می‌ریزند، از پشه‌های لاغر چه بر می‌آید؟

بنابراین، وقتی که شلاق حادثه بر پیکر سیستم بانکی فرود می‌آید، در واقع، این سیستم

بحث اصلی این شماره، بررسی وضعیت نیروی انسانی در نظام بانکی کشورمان است، اما نمی‌توانیم به این موضوع بپردازیم و در برابر سرنوشت تلخی که بار دیگر برای سیستم بانکی رقم خورده و به غبار گرفتگی چهره‌ها و فرسایش روحیه‌ها انجامیده است، سکوت کنیم. بنابراین، در این یادداشت، اول نگاهی به این حادثه داریم و بعد اشاره‌ای به بحث اصلی راجع به وضعیت نیروی انسانی فعال در سیستم بانکی:

۱) چندی است که شلاق حادثه - بی‌امان و به کرات - بر پیکر سیستم بانکی وارد آمده و می‌آید، یعنی در جریان محاکمات مربوط به عوامل فسادهای مالی چند وجهی و گسترده طی سال‌های اخیر، پای سیستم بانکی هم به میان کشیده شده و برخی از مدیران سیستم بانکی - شاید هم مدیریت سیستم بانکی - در جایگاه متهم قرار گرفته‌اند. در این میان، بعضی‌ها با کوبه‌بینی معتقدند که منشأ همه فسادهای مالی به سیستم بانکی بر می‌گردد، و بعضی هم با بی‌انصافی شعار می‌دهند یا مرتکب کاریکاتورهایی می‌شوند که نمونه‌ای از آنها را در همین صفحات می‌بینید.

اما بدون اینکه قصد جانبداری از بزهکاران سیستم بانکی یا قصد مداخله در روند رسیدگی‌های قضایی را داشته باشیم، به این واقعیت اشاره می‌کنیم که وجود فساد و بیماری در

به نیروی انسانی سیستم بانکی کشورمان پرداخته ایم - اما یک دیدگاه سومی هم وجود دارد که در قلمرویی فراتر از علم اقتصاد قابل طرح است، لذا فقط اشاره می‌کنیم و می‌گذریم:

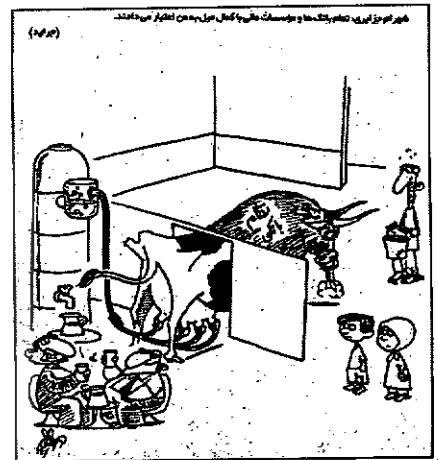
علاوه بر ابعاد کمی و کیفی نیروی انسانی، باید به ابعاد معنوی و هدفمندی غایی فعالیت‌های نیروی انسانی - از جمله فعالیت‌های اقتصادی - هم توجه داشت، وگرنه چنانچه نیروی انسانی یک جامعه یا یک بنگاه اقتصادی در بالاترین سطوح و استانداردهای تعریف شده کمی و کیفی به فعالیت بپردازد و از بالاترین کارایی و اثر بخشی هم برخوردار باشد، اما از این بعد سوم غافل بماند، چنان فاجعه‌ای روی خواهد داد که فساد مالی و اقتصادی و محاکمه و کیفر و رسوایی در برابر آن سهل است. بدون تردید، پرداختن به این بعد سوم و پرورش اخلاقی و معنوی انسان‌ها هم برعهده اقتصاددانان و بانکداران نیست، بلکه باید رهبران فکری و استادان اخلاق و فرهنگ جامعه به خود آیند و قیل از آنکه شلاق‌های دیگر به چرخش در آیند، دستی برآورند. ■

است که بیش از کشورهای دیگر از این مغزها که نتیجه کسب دانش و تجربه است، در اختیار داشته باشد. (روزنامه ایران ۲۳ آذر ۱۳۷۹)

در واقع، اگر بخواهیم در فرایند ارزیابی عوامل تولید از اغراق بپرهیزیم، دست کم می‌توانیم بگوییم که انسان، مهمترین عامل تولید است. اما چنانچه تولید و مصرف را به عنوان دو عنصر شاکله فعالیت‌های اقتصادی در نظر بگیریم، آنگاه در می‌یابیم که این دو ستون چیزی نیستند جز کار انسان - خواه کار دستی و خواه کار مغزی - و دیگر عواملی هم که جزو عوامل تولید شمرده می‌شوند، یا خود محصول کارند یا بدون کار به کاری نمی‌آیند. به عبارت دیگر، سرمایه که به طور کلاسیک به عنوان یکی از عوامل تولید شناخته می‌شود، چیزی نیست مگر حاصل متبلور شده کار انسان‌ها، و طبیعت یا زمین هم بدون انسان و کار انسان چیزی نیستند جز توده‌ای متراکم از مواد بی‌جان و انبوهی از انرژی‌های در جریان که بدون کار انسان - دست کم - به یک سرانجام انسانی نمی‌انجامند، تکلیف عوامل دیگر چون ابزار و تکنولوژی و مدیریت و ... هم که روشن است.

بنابراین، با اطمینان و بدون نگرانی از تلقی اغراق - می‌توانیم بگوییم که در قلمرو علم اقتصاد، انسان یگانه عامل و در عین حال، مقصد نهایی فعالیت‌های اقتصادی است و این حکم در مورد همه بنگاه‌های اقتصادی، از جمله بانک‌ها صادق است

در عین حال، باید توجه داشت که امروز دیگر به انسان تنها به عنوان یک عامل کمی در جریان تولید و فعالیت‌های اقتصادی نگاه نمی‌کنند، بلکه کیفیت کار نیروی انسانی هم مورد توجه است - در این شماره از این دو دیدگاه، یعنی کمیت و کیفیت،



خصوصیات مردم، میزان پرورش و امادگی، توانایی فکری و غیر فکری برای انجام کارهای مخصوص، و ضرورت اجرای چنین کارهایی هم در عامل انسانی اثر می‌گذارد. (اندیشه‌های نهرو) - فردریک لیست، اقتصاددان نیمه اول قرن نوزدهم نیز در بررسی‌های خود ضمن ارج نهادن بسیار به نقش و اهمیت عامل انسانی و تأکید بر لزوم پرورش و رهبری درست این عامل، یادآوری می‌کند: نیروی ثروت... بی‌نهایت مهمتر از خود ثروت است. (علم و فرهنگ)

- در اواخر سال گذشته، یک دانشگاه آمریکایی پرسشنامه‌ای را برای اقتصاددان‌های برنده جایزه نوبل که هنوز در قید حیات هستند، فرستاد و از آنان خواست بگویند که در زمان حاضر، ثروت پایدار یک جامعه چیست: برده، طلا، کشاورزی، منابع طبیعی، تجارت، صنعت، سرمایه ...؟ اقتصاددانان مزبور در پاسخ - با جزیی تفاوت - تأکید کردند که در عصر تکنولوژی پیشرفته، ثروت پایدار یک جامعه، نیروی انسانی ماهر و خلاق آن جامعه است و ابرقدرت واقعی، کشوری

